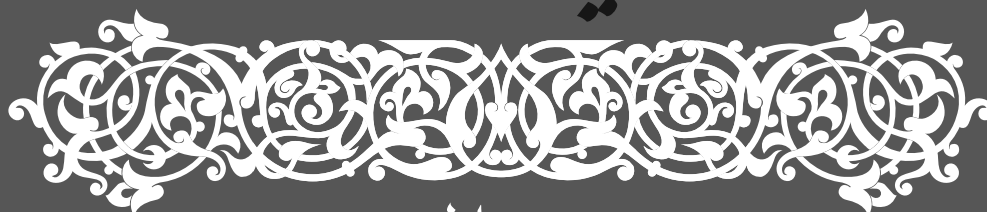


آشنایی با اخلاق



درس اول

• اهداف درس

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

۱. با ارزش اخلاقی و ارکان آن آشنا شویم؛
۲. با اصول، احکام، وقواعد اخلاقی آشنا شویم؛
۳. با اخلاق کاربردی و رسالت آن آشنا شویم؛
۴. چگونگی پیوند اخلاق با دین را فراگیریم.



حمیدرضا جوان

✦ سطح چهار حوزه (دکتر)

✦ خارج فقه و اصول

✦ مهندس عمران

تعریف، هدف، و اهمیت اخلاق

«اخلاق»، در لغت، جمع خُلُق و به معنای صفات راسخ نفسانی است که منشأ رفتارهای آدمی باشند. درباره دانش اخلاق تعریف‌های فراوانی آمده است. در اینجا به تعریفی کوتاه و جامع اشاره می‌کنیم: علم اخلاق دانشی است که صفات نفسانی خوب و بد و رفتارهای متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه به دست آوردن صفات خوب و انجام رفتارپسندیده و دوری از صفات بد و کردار ناپسند را نشان می‌دهد.^۱

هدف علم اخلاق تهذیب نفس و نیکو کردن رفتار در زندگی فردی و اجتماعی است و استمرار آن انسان را به بالاترین مراتب رشد و کمال و قرب الهی می‌رساند. خلقت انسان به گونه‌ای است که می‌تواند به بالاترین درجات برسد و جانشین خداوند شود و ملائکه بر او سجده کنند^۲ و یا آن‌چنان سقوط کند که از حیوان هم پست‌تر شود.^۳ تهذیب نفس انسان را سعادت‌مند می‌کند و آلوده ساختن نفس انسان را به محرومیت و بدبختی می‌کشاند.^۴ کسی که ایمان دارد و کارهای شایسته انجام می‌دهد

۱. محمد هدایتی، «علم اخلاق، تعریف، موضوع و هدف»، پژوهش‌های اخلاقی،

ش ۴، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۲۶.

۲. بقره (۲): ۳۴.

۳. اعراف (۷): ۱۷۹.

۴. بقره (۲): ۹ و ۱۰.

رشد می‌کند، به درجات عالی می‌رسد، و به زندگی پاک و نیکو و سعادت اخروی دست می‌یابد.^۱ کسی که به راستی در پی قرب و لقای الهی است سرانجام به آن خواهد رسید.^۲

اخلاق، هم شامل دانش‌ها و بینش‌هایی است که انسان را با صفات و رفتارهایی چون یقین، کفران، صداقت، ریا، عدالت، خیرخواهی، حسادت، صبر، نفاق و مانند آن‌ها آشنا می‌کند، و هم شامل تمایلات و گرایش‌هایی است که آدمی را به سوی کارهایی چون سخاوت، بخل، صبر، خشم، تواضع، حرص، عفت، کینه، کبر، قناعت، و مانند آن‌ها تحریک می‌کند.^۳

اساساً اخلاق با اختیار و به دنبال آن با استحقاق ستایش و نکوهش همراه است. از اینجا معلوم می‌شود صفات یا اعمالی که در حیطه اختیار انسان نیست خارج از محدوده اخلاق اند. براین اساس، موضوع علم اخلاق صفات اکتسابی و افعال اختیاری انسان است از این نظر که استحقاق ستایش و نکوهش دارند.

کمال و سعادت هرانسان، افزون بر باورها، به صفات و افعال اختیاری وی مربوط است و به خاطر همین، اهتمام علمی و عملی به اخلاق از اهمیت زیادی برخوردار است.^۴ در اهمیت اخلاق همین بس که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، که در قرآن کریم الگوی اخلاق معرفی شده،^۵ بعثت خود را برای رشد مکارم اخلاق و محاسن آن دانسته است.^۶

۱. نحل (۱۶): ۹۷.

۲. عنکبوت (۲۹): ۵.

۳. محمد هدایتی، «علم اخلاق، تعریف، موضوع و هدف»، پژوهش‌های اخلاقی، ص ۱۲۸.

۴. محمد علی شمالی، «علم اخلاق و فلسفه اخلاق»، معرفت اخلاقی، ش ۳، تابستان ۱۳۹۸، ص ۸.

۵. قلم (۶۸): ۴.

۶. طوسی، الامالی، ص ۵۹۶.

❧ ارزش اخلاقی

دانستیم که موضوع علم اخلاق عبارت است از صفات اکتسابی و افعال اختیاری انسان از این نظر که استحقاق ستایش و نکوهش دارند. در حوزه معرفت‌شناسی، از واژه «خوب» برای معرفی آنچه قابل ستایش است بهره می‌گیریم و از واژه «بد» برای معرفی آنچه نکوهش‌کردنی است.^۱ وقتی می‌گوییم سخاوت چیز خوبی است و بخل چیزی بد به این معناست که سخاوت ارزش اخلاقی مثبت دارد و ستوده است و بخل ارزش اخلاقی منفی دارد و نکوهیده است.

درس اول
آشنایی با اخلاق

این نکته را باید دانست که ارزش اخلاقی تنها شامل صفات و رفتارهایی نیست که مثبت تلقی می‌شود، بلکه شامل صفات و رفتارهایی با بار ارزشی منفی نیز هست. هم تواضع در محدوده ارزش اخلاقی است و هم تکبر و خودپسندی. این دوگونه ارزش‌گذاری اخلاقی، که یکی را مثبت و دیگری را منفی می‌کند، به خلقت ویژه انسان مربوط است.

❧ ارکان ارزش اخلاقی

حال که با ارزش اخلاقی آشنا شدیم، به اختصار، ارکان آن را برمی‌شماریم. نبود هریک از این ارکان در یک صفت یا رفتار آدمی آن را از محدوده ارزش اخلاقی بیرون می‌برد. به عبارت دیگر، تنها صفت یا رفتاری دارای ارزش اخلاقی است که هر سه رکن زیر را باهم و یک جا داشته باشد، در غیر این صورت آن صفت یا رفتار فاقد ارزش اخلاقی است. بر این اساس، ارکان ارزش اخلاقی عبارت‌اند از:

● ۱. اختیار و توانایی

صفات و رفتارهای انسان وقتی دارای ارزش اخلاقی است که در توان و اختیار آدمی باشد. هیچ رفتار غیراختیاری‌ای ارزش اخلاقی ندارد. رفتار کسی که به دلیل عدم

۱. گاهی از واژه‌های دیگری چون درست و نادرست، و صواب و ناصواب نیز برای بیان همین منظور استفاده می‌شود.

توانایی مالی امکان اسراف و اتلاف امکانات را ندارد قناعت محسوب نمی‌شود و عملش دارای ارزش اخلاقی نیست. کسی که به اجبار وادار به بذل مال شده است عملش سخاوت به حساب نمی‌آید و ارزش اخلاقی ندارد. صداقت به این سبب ارزش اخلاقی محسوب می‌شود که آدمی می‌تواند آن را در وجودش تقویت و یا تضعیف کند و صادقانه یا غیرصادقانه رفتار کند. بنابراین، اختیار و توانایی شرط لازم برای هرازش اخلاقی است.

● ۲. قابلیت ستایش و نکوهش

چیزی دارای ارزش اخلاقی است که فی نفسه قابل ستایش و نکوهش باشد. سخاوت و بُخل به این دلیل دارای ارزش اخلاقی‌اند که خود این صفات و رفتارهای مبتنی بر آن‌ها قابل ستایش و نکوهش‌اند. عدالت‌ورزی یا رفتار ظالمانه، چون قابل ستایش یا نکوهش‌اند، ارزش اخلاقی دارند.^۱

از آنچه ستودنی است با واژه‌هایی چون خوب و درست، و از آنچه نکوهیده است با واژگانی چون بد و نادرست یاد می‌شود. سخاوت و عدالت‌ورزی خوب و درست، و بُخل و رفتار ظالمانه بد و نادرست‌اند.

● ۳. ناظر بودن به زندگی معنوی و فرامادی

تنها ارزش‌هایی اخلاقی محسوب می‌شود که با زندگی معنوی انسان مرتبط باشد. انسان دارای دو بُعد مادی و معنوی و به عبارتی، جسمی و روحی است. قابلیت‌های جسمی و روحی انسان بسیار متفاوت‌اند. توانایی‌های جسمی و مادی محدود و ناپایدار است و قابلیت‌های روحی و معنوی نامحدود و پایدار. روح انسان به گونه‌ای با روح الهی پیوند دارد^۲ و امکان تعالی و افول بی‌پایان دارد.

۱. وجود این قابلیت در چیزی موجب نمی‌شود که آن چیز لزوماً دارای ارزش اخلاقی باشد، بلکه همان‌طور که آمد، لازم است سایر ارکان ارزش اخلاقی، یعنی اختیار و توانایی و ناظر به زندگی معنوی بودن را نیز به همراه داشته باشد.

۲. حجر (۱۵): ۲۹.

صفت یا رفتاری دارای ارزش اخلاقی است که ناظر به بُعد روحانی زندگی انسان و فراتر از زندگی مادی باشد. البته این به معنای نادیده گرفتن ارزش زندگی مادی انسان نیست، بلکه این بُعد از زندگی به تنهایی فاقد ارزش اخلاقی است. کسی که در خوردن و آشامیدن توانا یا ناتوان است این صفت در او ارزش اخلاقی تلقی نمی‌شود. شخصی که زیاد یا کم می‌خوابد این عمل او فی نفسه فاقد ارزش اخلاقی است. کسی که کالایی را از بازار به قیمت بالا و یا زیر قیمت خریداری می‌کند عملش دارای ارزش اخلاقی نیست. آری، اگر بتوان این گونه اعمال را با نیت بُعد معنوی زندگی انجام داد، آن گاه دارای ارزش اخلاقی می‌شوند. اما شخصی که سخاوتمند یا بخیل است، کسی که به دیگران احسان و یا اجحاف می‌کند، شخصی که متواضعانه یا متکبرانه رفتار می‌کند، این‌ها دارای ارزش اخلاقی‌اند، چرا که برای تقویت یا تضعیف زندگی معنوی انسان و نزدیکی وی به خالق هستی یا دوری از او انجام می‌شوند. البته آشکار است که در اینجا اگر احسان یا رفتار متواضعانه، که فی نفسه دارای ارزش مثبت اخلاقی است، به انگیزه ریا و مانند آن صورت پذیرد، از ارزش مثبت اخلاقی به ارزشی منفی تبدیل می‌شود و زندگی معنوی انسان را، به جای تقویت، تضعیف می‌کند. این موضوع اشاره به نقش نیت در ارزش‌گذاری اخلاقی دارد که در جای خود قابل بررسی است.^۱

اصول، احکام، وقواعد اخلاقی

پس از آشنایی اجمالی با ارزش اخلاقی، در اینجا با اصل اخلاقی، حکم اخلاقی، و قاعده اخلاقی آشنا می‌شویم. از این واژه‌ها در مباحث اخلاقی، به ویژه اخلاق حرفه‌ای، که شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است، بسیار بهره گرفته می‌شود که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم.

۱. محمود رجبی و محمد باقریان خوزانی، «تأثیر نیت بر ارزش اخلاقی عمل از دیدگاه قرآن کریم»، قرآن شناخت، ش ۲، ۱۳۹۳، ص ۹۵؛ مجتبی مصباح، «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، فصل‌نامه تخصصی اخلاق و حیانی، ش ۲، زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۱ و ۱۰۴.

اصول اخلاقی

همواره می‌توان ارزش‌های اخلاقی بسیاری را برشمرد و فهرست کاملی از آن‌ها تهیه کرد، اما آنچه اهمیت دارد تفکیک برخی از ارزش‌ها برای به‌کارگیری در عرصه‌های مختلف زندگی است. به عبارت دیگر، هرچند همه ارزش‌های اخلاقی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، و جزآن کاربرد دارند، اما برخی از آن‌ها در یک عرصه خاص کاربرد بیشتری دارند و به همین سبب به عنوان اصول اخلاقی مربوط به آن عرصه شناخته می‌شوند. برای نمونه، اگر در زندگی فردی، بر قناعت و بردباری بیش از سایر ارزش‌های اخلاقی تأکید شود، این دو ارزش را به عنوان دو اصل اخلاقی در زندگی فردی خواهیم شناخت، و یا اگر در زندگی خانوادگی بر وفاداری و مهرورزی تأکید فراوان شود، آن‌ها را به عنوان دو اصل اخلاقی در زندگی خانوادگی برگزیده‌ایم. همچنین اگر در زندگی اجتماعی بر قانون‌پذیری و مواسات بیش از سایر ارزش‌ها تأکید کنیم، به این معناست که آن‌ها را به عنوان دو اصل اخلاقی در زندگی اجتماعی تلقی کرده‌ایم. زندگی شغلی و حرفه‌ای هم بخشی از زندگی اجتماعی محسوب می‌شود. البته همان‌طور که اشاره شد، اختصاص پاره‌ای از ارزش‌های اخلاقی به عرصه خاصی از زندگی به این معنا نیست که آن ارزش‌ها در سایر عرصه‌های زندگی کاربرد ندارند، بلکه تنها به این معناست که در آن عرصه خاص بر آن‌ها تأکید بیشتری می‌شود. از این رو، اگر در حرفه مهندسی، ایمنی یک اصل اخلاقی تلقی می‌شود،^۱ به این معنا نیست که ایمنی در سایر عرصه‌های زندگی مطرح نیست و کاربرد ندارد. به این ترتیب، اصول اخلاقی متفاوت برای عرصه‌های مختلف زندگی شناسایی و تبیین می‌شوند.

۱. لزوم رعایت ایمنی و محافظت از جان انسان‌ها در آموزه‌های اسلام بسیار پررنگ است. برای نمونه، در آیات قرآن کریم آمده: هرکس یک نفر را زندگی بخشد مانند آن است که همه مردم را زنده کرده است. (مائده (۵): ۳۲) این آیه کریمه براهمیت فوق‌العاده محافظت از جان انسان‌ها اشاره دارد.

احکام و قواعد اخلاقی

اصول اخلاقی همواره با خودشان بایدها و نبایدهایی را به همراه می‌آورند. برای نمونه، وقتی قانون‌پذیری را به عنوان یک اصل اخلاقی در زندگی اجتماعی پذیرفتیم، این اصل اخلاقی یک باید اخلاقی به همراه دارد و آن این است: افراد باید در زندگی اجتماعی قانون‌پذیر باشند. به این باید اخلاقی حکم اخلاقی گفته می‌شود. به حکم اخلاقی‌ای که عام و فراگیر باشد و ناظر به یک شخص خاص نباشد قاعده اخلاقی گفته می‌شود.

درس اول
آشنایی با اخلاق

در اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای، با احکام و قواعد اخلاقی^۱ فراوانی سروکار خواهیم داشت. مهندسان در فعالیت‌های حرفه‌ای باید ایمنی را بسیار مورد توجه قرار دهند و بر رعایت دستورالعمل‌های مهندسی تأکید داشته باشند. سازمان‌ها و نهادهای مهندسی باید فعالیت‌های حرفه‌ای مهندسان را عادلانه ارزیابی و هدایت کنند. این‌ها نمونه‌هایی از احکام و قواعد اخلاقی است که در حرفه مهندسی کاربرد دارد.

اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی^۲ شاخه‌ای از اخلاق هنجاری^۳ است که به موارد خاص و عینی در عرصه‌های مختلف زندگی می‌پردازد و به دنبال حل مسائل و معضلات اخلاقی در آن عرصه‌هاست. در اخلاق هنجاری، جدای از اخلاق کاربردی، درباره نظریه‌های اخلاقی^۴ نیز بحث می‌شود. هدف نظریه‌های اخلاقی ارائه معیاری برای ارزیابی رفتارهای انسان و یا فضایل انسانی است. سه نظریه رایج در اخلاق هنجاری

۱. به قاعده اخلاقی، کُد اخلاقی نیز گفته می‌شود.

2. Applied Ethics.

3. Normative Ethics.

4. Moral Theories.

عبارت‌اند از: وظیفه‌گرایی،^۱ پیامدگرایی،^۲ و فضیلت‌گرایی.^۳ هریک از این سه نظریه خود را تنها معیار دارای صلاحیت برای ارزیابی اخلاقی صفات و رفتارهای انسان معرفی می‌کنند.^۴

اخلاق کاربردی شامل اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق علم و تکنولوژی، اخلاق زیست‌پزشکی، اخلاق سیاسی، اخلاق ورزشی، اخلاق رسانه، اخلاق حرفه‌ای،^۵ و مانند آن‌هاست.^۶

پیشینه اخلاق کاربردی در غرب را می‌توان با آغاز دغدغه فلاسفه برای کاربردی کردن علم اخلاق دنبال کرد. در دهه ۱۹۷۰، هنگامی که علمای اخلاق غرب در اخلاق حرفه‌ای و مسائل اجتماعی به موضوعاتی چون رفتار با حیوانات، جنسیت و نژاد، مجازات اعدام، سقط جنین، و محیط‌زیست توجه ویژه کردند، اصطلاح اخلاق کاربردی رواج یافت. اما در جهان اسلام، پیشینه‌ای طولانی از فعالیت دانشمندان مسلمان در این خصوص دیده می‌شود. اندیشمندان مسلمان همواره به مباحث عینی اخلاق توجه ویژه‌ای داشتند. در آثار مکتوب این دانشمندان، آداب‌نویسی‌ها و اندرزنامه‌نویسی‌های فراوان با هدف ترویج عملی اخلاق به چشم می‌خورد. در دوره‌های مختلف، با توجه به نیازهای عرصه‌های متفاوت زندگی، مطالب زیادی با رویکرد اخلاق کاربردی به نگارش درآمده است. اخلاق دانش‌وری و تعلیم و تعلم، اخلاق دولت‌مردی و حکمرانی، اخلاق پزشکی، حقوق

۱. رفتاری اخلاقی است که طبق وظیفه انجام شود.

۲. رفتاری اخلاقی است که نتیجه مطلوب داشته باشد.

۳. این نظریه بر فضایل انسانی و انسان خوب تأکید دارد.

۴. محمدتقی اسلامی، «روش‌شناسی قیاس‌گرایانه در اخلاق کاربردی، جایگاه نظریه در استدلال اخلاقی»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۲۵، پاییز ۱۳۹۳، ص ۲۰۹-۲۳۰؛ زهرا خزاعی، «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها»، فصل‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال نهم، ش ۱، بی‌تا، ص ۱۹۴-۲۰۵.

5. Professional Ethics.

۶. همان، ص ۱۷۶-۱۷۸.

اخلاقی حیوانات، اخلاق جوانمردی، اخلاق اصناف و اصحاب حرفه‌های مختلف از جمله آن‌هاست.^۱

رسالت اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی سه رسالت اصلی دارد که در اینجا به اختصار به آن اشاره می‌کنیم.^۲

۱. تعیین وظایف اخلاقی: اخلاق کاربردی، با تدوین اصول و قواعد اخلاقی، وظایف اخلاقی افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها را مشخص می‌کند. وظایف اخلاقی گروه‌ها و سازمان‌ها در قالب نظام‌نامه‌ها و منشورهای اخلاقی تدوین و به آنان ارائه می‌شود.

۲. حل مشکلات اخلاقی: اخلاق کاربردی، با به‌کارگیری اصول و قواعد اخلاقی، به حل مشکلات عملی اخلاقی اشخاص و گروه‌ها و سازمان‌ها مبادرت می‌ورزد.

۳. ارزیابی عملکردها: اخلاق کاربردی، با بهره‌گیری از اصول و قواعد اخلاقی، عملکرد افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها را ارزیابی می‌کند. گاهی جدا از عملکردها، به ارزیابی قوانین و دستورالعمل‌های نهادها و سازمان‌های حرفه‌ای نیز می‌پردازد و زمینه بازبینی آن‌ها را فراهم می‌کند.

پیوند اخلاق با دین

از زمان پیدایش تفکرات فلسفی بین مسلمانان، همواره درباره رابطه اخلاق با دین سؤال‌هایی مطرح بوده. آیا اخلاق جزئی از دین است؟ آیا می‌توان بدون دین، زندگی اخلاقی داشت؟ آیا بدون اخلاق می‌توان زندگی دینی داشت؟ مراد از دین در اینجا مجموعه معارف، توصیه‌ها، و دستورهای است که آخرین پیامبر الهی

۱. محمدتقی اسلامی، «شناسنامه علمی اخلاق کاربردی»، پژوهش‌نامه اخلاق، ص ۱۳-۱۸.

۲. زهرا خزاعی، «اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها»، فصل‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، ص ۱۷۹-۱۸۱.

برای پرورش انسان‌ها و نشان دادن راه‌ورسم زندگی و اداره امور جامعه آورده است. در ادامه، بدون ورود به مباحث فلسفی دشوار، به اختصار به رابطه اخلاق با دین می‌پردازیم.

از زمان شکل‌گیری مباحث اعتقادی در میان مسلمانان، مسئله حُسن و قُبُح افعال در مباحث کلامی و اصولی مطرح بوده است. این مسئله محور اصلی مباحث فیلسوفان اخلاق درباره رابطه دین و اخلاق است. اشاعره، آن‌گونه که از ظاهر کلامشان برمی‌آید، معتقدند صرف نظر از حکم شرع، عقل توانایی درک خوبی یا بدی هیچ‌یک از افعال را ندارد. آنچه شارع مقدس به آن امر کرده خوب، و هر آنچه نهی کرده بد است. بر این اساس، اخلاق جدا از دین به کلی فاقد معناست. اما عدلیه بر این باورند که عقل آدمی، جدا از دین، توانایی کشف خوبی و بدی برخی از افعال را دارد.^۱ چه بسا بتوان آیات سوره شمس را، که به عظمت خلقت انسان به دست خداوند متعال و الهام خوبی و بدی به وی اشاره می‌کند، ناظر به همین معنا دانست.^۲ بعضی از مفسران گفته‌اند این آیات در حقیقت اشاره به مسئله حسن و قبح عقلی دارد که خداوند توانایی درک آن را از طریق عقل و فطرت به انسان داده است.^۳ بر این اساس، آدمی مستقل از دین هم می‌تواند خوبی‌ها و بدی‌ها را درک کند. جدای از دین هم انسان می‌فهمد که عدالت خوب و پسندیده است و ظلم بد و ناپسند. به خاطر همین است که آدمی، خواه متدین و خواه غیرمتدین، همواره انتظار دارد با وی به عدالت رفتار شود و کسی به او ظلم نکند. حال این پرسش مطرح است که: اگر این معنا را بپذیریم، آیا نباید با طرفداران اخلاق سکولار همراه شویم و حوزه اخلاق را مستقل از دین بدانیم؟

۱. محمدتقی مصباح یزدی، فلسفه اخلاق (مشکات)، انتشارات مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی، چ ۳، ۱۳۹۴، ص ۲۱۱-۲۱۵.

۲. شمس (۹۱): ۷ و ۸.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی،

ج ۲۰، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چ ۳، ۱۳۶۷، ص ۶۹۳؛ ناصر

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲۱، ۱۳۷۸، ج ۲۷، ص ۴۷.

بسیاری از طرفداران اخلاق سکولار^۱ بر این باورند که دین هیچ نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه اخلاق ندارد. این نگاه مبتنی بر اندیشه سکولاریسم^۲ است و خاستگاه غیردینی دارد. این تفکر که در بستر فرهنگ و تمدن غرب پدیدار شد، در دوران رنسانس، مقابل دین مسیحیت که به خرافه‌پرستی و فاصله گرفتن از عقل روی آورده بود قرار گرفت و هرآنچه را که منشأ ماورایی داشت انکار کرد و زمینه‌ساز پیدایش سکولاریسم شد.



«سکولاریسم» به معنای غیرمذهبی کردن، از مالکیت مذهب درآوردن، و اختصاص دادن به امور غیرروحانی است و مفهوم آن دنیاپرستی و مخالفت با مطالب دینی و شرعیات است.^۳ سکولاریسم بیشتر بیان‌گر نگرشی است که بشر را برای اداره امور خود بی‌نیاز از ارزش‌های الهی و فضایل دینی و آموزه‌های وحیانی و تنها متکی به عقل می‌داند.^۴ عوامل متعددی در پیدایش سکولاریسم در جوامع غربی تأثیرگذار بوده که هیچ‌یک نسبتی با اسلام و آموزه‌های آن ندارد. تلقی منفی آموزه‌های مسیحیت از زندگی در دنیا و جداسازی زندگی دنیا از آخرت، استناد کلیسا به متون دینی غیرمتمکی به وحی، وجود عقاید تحریف‌شده در مسیحیت چون تثلیث و فروش آمرزش‌نامه^۵ و گناه نخستین و مسئله فدا،^۶ و عدم وجود اصول و قوانین

1. Morality Secular.

2. Secularism.

۳. آرین پور، فرهنگ همراه پیشرو، ص ۷۵۶؛ حمیم، فرهنگ کوچک انگلیسی فارسی، ص ۵۰۵.

۴. محمد حسن قدردان قراملکی، سکولاریسم در مسیحیت و اسلام، قم: بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۸۰، ص ۱۵.

۵. انسان‌هایی که خود را در برابر خداوند گناه‌کار می‌دانستند با تقدیم مبلغی به کلیسا خود را از آلودگی گناه به‌کلی پاک می‌کردند.

۶. کلیسا بر این باور بود که گناه حضرت آدم در بهشت به فرزندان او نیز منتقل شده و به خاطر همین، نسل او بالفطره گناه‌کار محسوب می‌شوند. رهایی از این گناه با اعمال نیک و عبادات ممکن نیست، لذا حضرت عیسی (علیه السلام)، با فدا کردن خود، کفاره گناهان بشر را پرداخته است.

راه‌گشا در مسیحیت برای اداره جامعه از جمله این عوامل است.^۱

همان‌طور که اشاره شد، یکی از عوامل پیدایش سکولاریسم در جهان غرب استناد کلیسا به باورهای خرافی و غیر عقلانی و متون دینی غیرمتکی به وحی بود. این در حالی است که در اسلام، بر خردورزی و تعقل تأکید فراوان و از خرافه‌پرستی جلوگیری شده است. با این حال باید توجه داشت که هرچند با مراجعه به عقل می‌توان به حقایق چون وجود خداوند، ضرورت وحی و نبوت، لزوم معاد، نیکویی عدل و بدی ظلم، و مانند آن دست یافت، اما عقل به تنهایی وسیله‌ای مطمئن برای شناخت تمام مصادیق و ویژگی‌های این حقایق نیست. به همین سبب گاهی این انسان عاقل، آن‌گاه که از وحی فاصله می‌گیرد، به جای خداپرستی، گرفتار بت‌پرستی می‌شود، به جای پیروی از اولیای الهی، به پیروی از طاغوت روی می‌آورد و یا به نام عدل، به کشتار مظلومان می‌پردازد. اما وقتی عقل از وحی الهی بهره می‌گیرد، از یک سو به ندرت به خطا می‌رود و از سوی دیگر، به حکمت‌ها و مصالح نهفته در بسیاری از آموزه‌های الهی پی می‌برد. در این صورت، عقل در کنار کتاب و سنت از منابع اصیل دین شمرده می‌شود و به کمک آن‌ها، می‌توان درست را از نادرست تشخیص داد.^۲

بنابراین، در پاسخ به معتقدان به اخلاق سکولار باید گفت پذیرش درک عقل از خوبی‌ها و بدی‌ها به هیچ وجه به معنای نفی وابستگی اخلاق به دین نیست. به عبارت دیگر، با اینکه می‌پذیریم انسان بدون دین هم قادر است با عقل خود برخی از خوبی‌ها و بدی‌ها را درک کند و متناسب با آن یک زندگی اخلاقی حداقلی داشته باشد، اما این به معنای نفی نیاز اخلاق به دین برای سامان‌دهی یک نظام

۱. علی ربانی گلپایگانی، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریسم، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، چ ۲، ۱۳۸۱، ص ۲۵؛ علی اکبر کمالی اردکانی، بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶، ص ۷۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، ۱۳۸۱، صص ۴۷-۴۹ و ۱۷۹-۱۸۲.

اخلاقی جامع و کارآمد نیست.^۱ البته همان طور که اخلاق از جهات مختلف به دین وابسته است، دین هم به اخلاق وابستگی دارد که پرداختن به آن مجال دیگری می‌خواهد.^۲

وَابستگی‌های اخلاق به دین

تبیین ارزش‌های اخلاقی، تعلیم شیوه رسیدن به اهداف اخلاقی، و ایجاد انگیزه و ضمانت اجرا مهم‌ترین وابستگی‌های اخلاق به دین است که در اینجا به اختصار به آن می‌پردازیم.

تبیین ارزش‌های اخلاقی

همان طور که آمد، عقل آدمی می‌تواند مستقل از دین برخی از خوبی‌ها و بدی‌ها را درک کند. اینکه عدالت خوب و پسندیده و ظلم بد و ناپسند است بارزترین این نوع از ادراک است. همه انسان‌ها، خواه متدین و خواه غیرمتدین، به درستی آن را می‌فهمند. با این حال، می‌بینیم که معنای عدالت و ظلم و مصادیق آن‌ها از نظر انسان‌ها بسیار متفاوت است. لیبرال‌ها به گونه‌ای عدالت را تعریف و تبیین می‌کنند که به کلی متفاوت با تعریف سوسیالیست‌ها و کمونیست‌هاست. ظلم نیز در اندیشه‌های مختلف تعاریف و مصادیق متفاوتی دارد. اینجا است که دین الهی تعریف خود از عدل و ظلم و سایر ارزش‌های اخلاقی را ارائه می‌کند و مصادیق آن‌ها را به درستی مشخص می‌کند. بر این اساس، دین با پشتوانه وحی الهی ارزش‌های اخلاقی را به درستی تعریف و تبیین می‌کند و مصادیق متفاوت آن را آشکار می‌سازد. برای نمونه، از منظر دین، ظلم فقط تجاوز به حقوق دیگران نیست،

۱. حسن سراج‌زاده اصفهانی، «قرآن و نظام اخلاقی آن»، / اخلاق و حیانی، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۴۴-۶؛ سید مهدی مجیدی نظامی و حسین حسن‌زاده، «نقش مهندسی مفاهیم اخلاقی در کشف نظام اخلاقی اسلام»، مدیریت دانش / اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بی‌تا، ص ۵۲-۷۱.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۲۲۵-۲۲۰.

بلکه ظلم به خویش را نیز شامل می‌شود. آزادی تنها شامل امکان دسترسی آزاد افراد به مواهب دنیوی نیست، بلکه شامل آزادی از پرستش مظاهر دنیا و بندگی نفس نیز هست. عقل آدمی به وی می‌گوید باید پدر و مادر را که واسطه وجود او هستند احترام کند، اما حیطة آن را دین مشخص می‌کند و حتی گفتن اُف به آنان را نیز مصداق بی‌احترامی برمی‌شمارد. سایر ارزش‌های اخلاقی نیز همین‌گونه‌اند و دین آن‌ها را تعریف و مصدقشان را به درستی آشکار می‌کند.

تعلیم شیوه رسیدن به اهداف اخلاقی

هدف اخلاق تهذیب نفس و نیکو کردن رفتار در زندگی فردی و اجتماعی است و استمرار آن انسان را به بالاترین مراتب رشد و کمال و قرب الاهی می‌رساند. تهذیب نفس شامل پاک کردن نفس از پلیدی‌ها و آراستن آن به فضایل اخلاقی است. تهذیب نفس فقط وقتی در پرتو آموزه‌های راستین اسلام صورت پذیرد به زهد مورد نظر اسلام می‌انجامد و موجب رشد انسان، نیکو شدن رفتارها، و قرب الاهی می‌شود. در غیر این صورت، همین تهذیب نفس انسان را به رهبانیت می‌کشاند، که از نگاه اسلام مردود است. رهبانیت بریدن از مردم و جامعه و فقط روی آوردن به عبادت است. در رهبانیت، یا باید به عبادت و ریاضت پرداخت تا در جهان دیگر به کار انسان آید، و یا باید متوجه زندگی و معاش بود تا در دنیا به کار آید.^۱ کلیسای مسیحی تا حد زیادی مروج رهبانیت بود و این تفکر را تقویت کرد که برای رسیدن به تکامل روحی، باید از لذت زندگی مادی دنیا چشم پوشید و به دیرنشینی و گوشه‌گیری روی آورد.^۲ ترویج این نگرش باعث شد بسیاری از مسیحیانی که دغدغه جامعه و سامان‌دهی زندگی اجتماعی را داشتند از دین و آموزه‌های مسیحیت فاصله بگیرند، اهداف اخلاقی را به اهداف دنیوی محدود کنند، و به اخلاق سکولار روی آورند.

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، نشر رودکی، چ ۲، ۱۳۵۴، ص ۲۱۶.

۲. فرهاد ادریسی، «عرفان و رهبانیت در مسیحیت»، مجله ادیان و عرفان، پاییز

۱۳۸۶، ش ۱۳، ص ۱۴۶.

شهید مطهری تفاوت زهد اسلامی با رهبانیت را این گونه توضیح می دهد: اسلام به زهد دعوت کرده و رهبانیت را محکوم کرده است. زاهد و راهب هر دو از تنعم و لذت گرایی دوری می جویند، ولی راهب از جامعه و تعهدات و مسئولیت های اجتماعی می گریزد و آن ها را جزو امور پست و دنیایی می شمارد و در صومعه و کوه پناه می گیرد، اما زاهد به جامعه و مسئولیت ها و تعهد های آن روی می آورد. این دو در لذت گیری نیز یکسان نیستند. راهب سلامت، نظافت، قوت، انتخاب همسر، و فرزندآوری را تحقیر می کند، اما زاهد حفظ سلامت، رعایت نظافت، و برخورداری از همسر و فرزند را جزو وظایف می شمارد. دنیایی که راهب آن را ترک می کند کار، فعالیت، تعهد، و مسئولیت اجتماعی است. از نظر راهب، حساب سعادت دنیا و آخرت کاملاً جداست. امکان ندارد یک کار یا یک چیز، هم وسیله سعادت دنیا باشد و هم وسیله سعادت آخرت. اما زهد زاهد، برخلاف رهبانیت، در متن زندگی و روابط اجتماعی است. این زهد نه تنها با مسئولیت اجتماعی و جامعه گرایی منافات ندارد، بلکه وسیله بسیار مناسبی است برای خوب از عهده مسئولیت ها برآمدن. در جهان بینی زاهد، دنیا و آخرت به یکدیگر پیوسته اند و دنیا مزرعه آخرت است. از نظر زاهد، آنچه به زندگی این جهان سامان می بخشد و موجب رونق، صفا، امنیت، و آسایش می شود این است که تعهدات و مسئولیت های این جهانی خوب انجام شود و با ایمان و پاکی و تقوا توأم باشد.^۱

ایجاد انگیزه و ضمانت اجرا

یکی از نکات قابل توجه در احکام و قواعد اخلاقی ایجاد انگیزه در اشخاص و ضمانت اجراست. کارکرد احکام اخلاقی متفاوت و بسیار فراتر از احکام قانونی است. ضمانت اجرای قانون مجازات حقوقی است، اما ضمانت اجرای اخلاق الزامات درونی است که شخص را به صورت خودجوش به سوی عمل می کشاند. باورها و نگرش افراد به زندگی نقش تعیین کننده ای در التزام به این احکام و قواعد

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۲۲۱-۲۲۳.

دارد، از این رو، باورهای دینی در پایبندی اشخاص به موازین اخلاقی بسیار تأثیرگذار است؛ باورهایی چون: خداوند انسان‌های پاک و نیکوکار را دوست دارد،^۱ خداوند همواره ناظر اعمال ماست،^۲ نتیجه تمامی اعمال و رفتارها به خود انسان برمی‌گردد،^۳ خداوند ظالمان و متجاوزان را دوست ندارد،^۴ عذرخواهی در آخرت برای ظلم در دنیا از انسان پذیرفته نمی‌شود،^۵ زندگی دنیا ناپایدار و گذرا و حیات آخرت ماندگار و پایدار است.^۶

این‌ها تنها چند نمونه از آموزه‌های دینی است که انسان را به رعایت موازین اخلاقی ترغیب می‌کند. به هر میزان این باورها عمیق‌تر و راسخ‌تر باشد، تأثیرگذاری آن‌ها بیشتر خواهد بود. رهبرانقلاب در تبیین ایمان می‌نویسد: ایمان یعنی باور، به وضوح مطلب را پذیرفتن، و دنبال یک جاذبه حرکت کردن. اگر این ایمان و جاذبه در دل نباشد، دل زنده به نور اسلام نیست. ایمانی که در اسلام ارزش دارد ایمان مقلدانه، متعصبانه، و کورکورانه نیست، بلکه خردمندانه است و در سایه تأمل و تفکر در آیات الهی به دست می‌آید. از نظر قرآن، خردمند کسی است که همواره به یاد خداست و در آفرینش آسمان و زمین می‌اندیشد و خلقت آسمان و زمین را بیهوده نمی‌پندارد و در این آفرینش برای خود مسئولیت قائل است. ایمان وقتی از روی تقلید و تعصب باشد، زائل شدنش هم به آسانی به دست آوردنش خواهد بود. آنچه مطلوب اسلام است ایمانی است که از روی بینش، شعور، تفکر، و آگاهی کامل باشد.^۷ چنین ایمانی بالاترین ضمانت اجرا برای رعایت موازین اخلاقی است.

۱. توبه (۹): ۱۰۸؛ آل عمران (۳): ۱۴۸.

۲. علق (۹۶): ۱۴.

۳. زلزال (۹۹): ۷.

۴. آل عمران (۳): ۵۷؛ بقره (۲): ۱۹۰.

۵. روم (۳۰): ۵۷.

۶. غافر (۴۰): ۳۹.

۷. سید علی خامنه‌ای، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ایمان از روی آگاهی»،

جلسه سوم، شهریور ۱۳۵۳، موجود در وبسایت: <https://tamaddonsaz.ir>